

معرفی شده است و در انتهای اشعار تاریخ آن با حروف ابجد ذکر شده است. متن اشعار این ستاره (تصاویر ۳ تا ۵) چنین است:

ستاره زشهنشاه عصر شاه صفی

رسید در کف معمار بحق علی اکبر

.....عماد این؟ زمین...

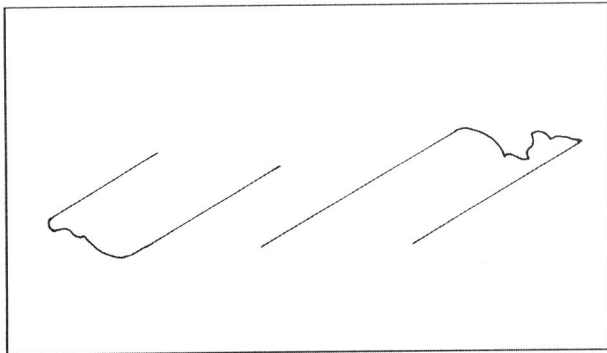
.....اختر

طلب نمودم از عقل سال اتمامش

سعود سبیه بگفتا ستاره‌ام بسفر

با احتساب جمله ستاره‌ام بسفر مصراع آخر در حساب ابجد، تاریخ ۱۰۳۹ هجری قمری می‌شود که سال دوم سلطنت شاه صفی می‌باشد.

با توجه به آمدن کلمه ستاره در ابتدای شعر و در مصرع ماده تاریخ ساخت ستاره‌ام بسفر، فوراً ستاره آسمانی به ذهن می‌آید، اما با رجوع به لغت نامه‌ها متوجه می‌شویم که این کلمه در واقع ستاره نیست بلکه ستاره است و حرف ت این کلمه باید با تشدید خوانده شود و معنی آن خط‌کش است و ریشه این کلمه از کلمه سطر گرفته شده است منتها در شعر و در فرهنگها به جای طاء با حرف تاء نوشته شده است.



تصویر ۲

## هدیه شاه صفی

### به معمار

## مسجد شاه اصفهان

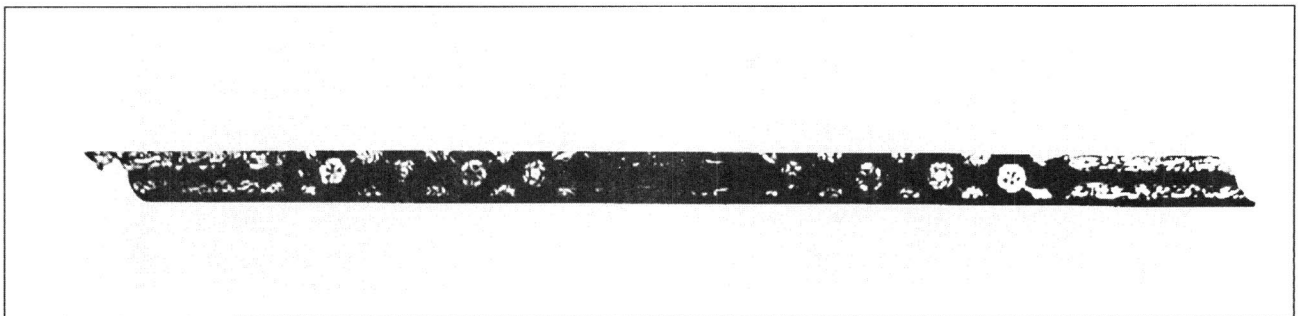
عبدالله قوجانی

در میان اشیاء موزه‌ها، گاهی آثار بی نظیری وجود دارد که باعث روشن شدن پاره‌ای از نکات تاریخی و هنری می‌شود. من جمله این اشیاء، یک تیغه فولادی طلاکوب به شماره ۱-۱۵-۳-۹۰ است که در انبار موزه بریتانیا محفوظ است و روی آن اشعار فارسی با طلا، نوشته شده است تصویر (۱).

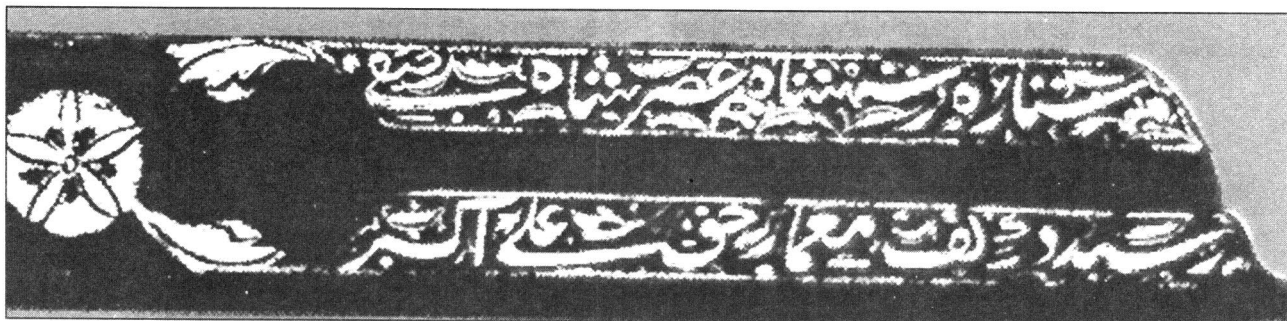
طول این تیغه، در وضعیت موجود ۴۹/۲ سانتیمتر و عرض آن ۲/۲ سانتیمتر است که هر طرف لبه آن تا انتها دارای شیب است که به شکل معکوس به طرح زیبایی منتهی می‌شود. (تصویر ۲)

روی این تیغه سه بیت شعر فارسی بخط نستعلیق نوشته شده که قسمت اعظم بیت دوم آن پاک شده و جز چند کلمه خوانا، چیزی باقی نمانده است.

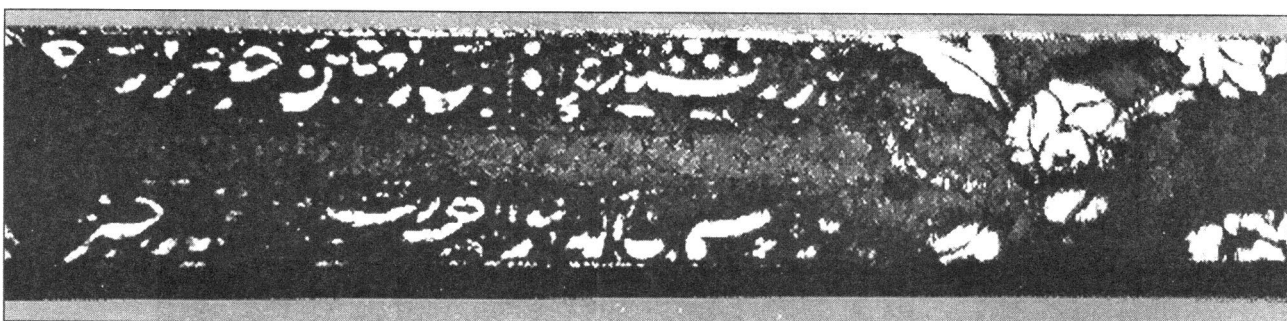
در اشعار فارسی نام شاه صفی و نام معماری به نام علی اکبر آمده است و از اشعار اینگونه بر می‌آید که این تیغه به نام ستاره



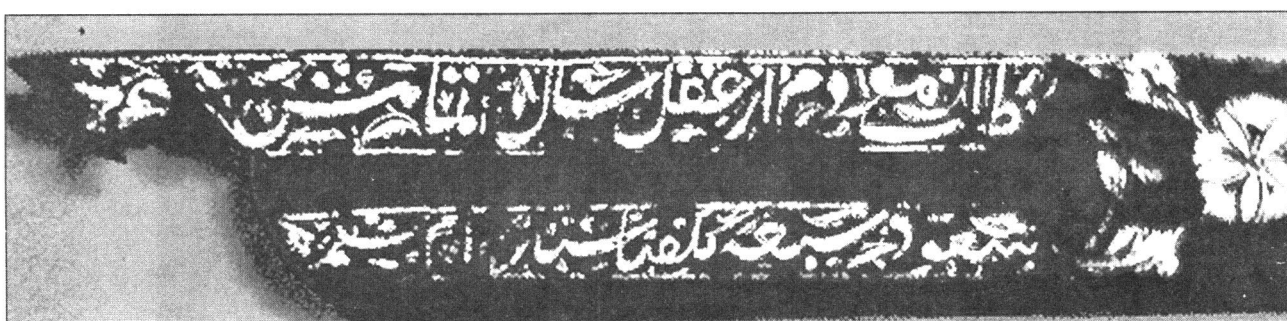
تصویر ۱



تصویر ۳



تصویر ۴

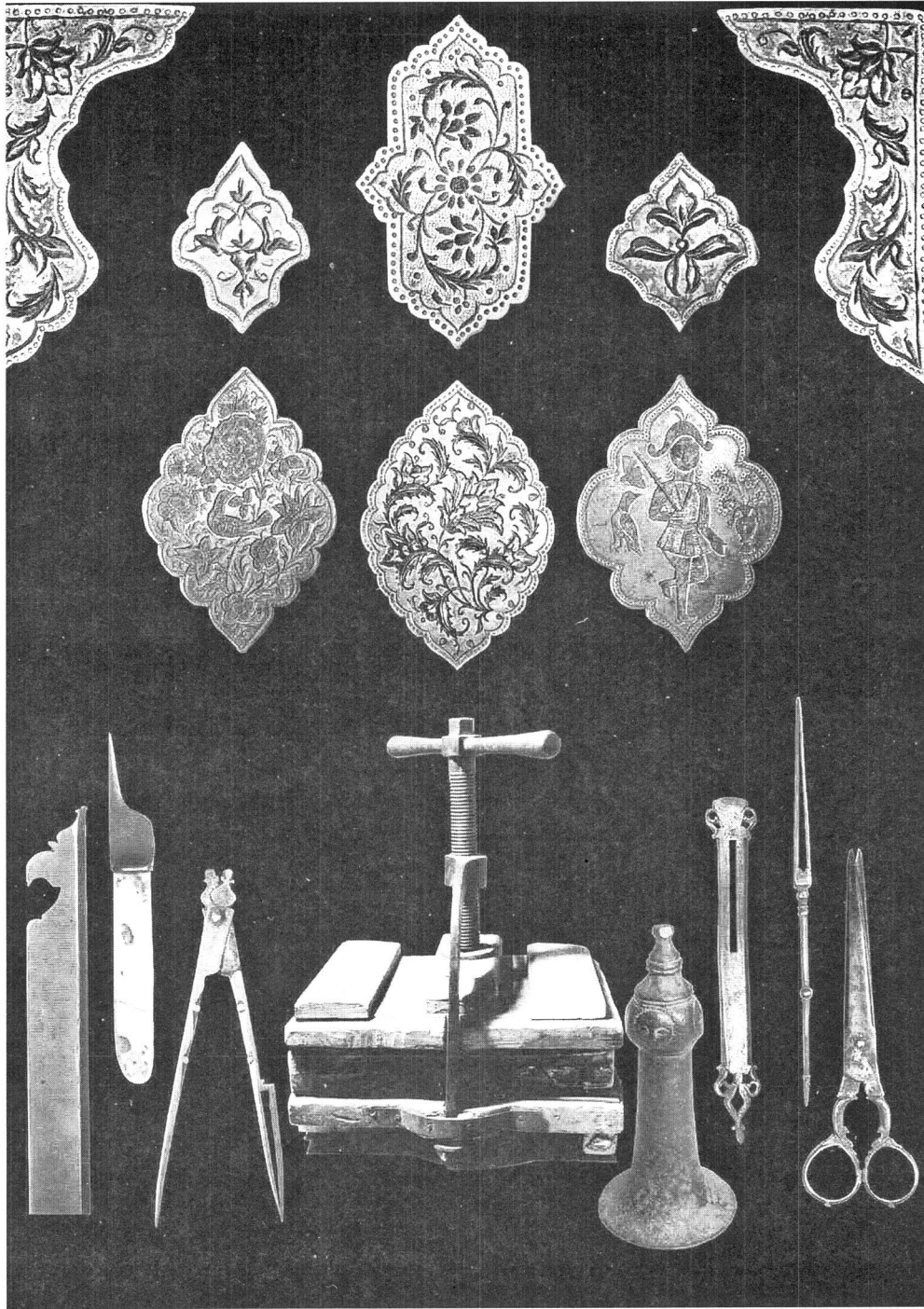


تصویر ۵

۱۰۲۸ هـ ق و سپس کتیبه اطراف محوطه زیر گنبد غربی مسجد شاه با تاریخ ۱۰۲۹ هـ ق و سپس کتیبه اطراف محوطه زیر گنبد غربی مسجد شاه با تاریخ ۱۰۲۹ هـ ق و در ایوان گنبد غربی مسجد شاه با تاریخ ۱۰۴۰ هـ ق می باشد، به نظر می آید که کتیبه مذکور که بالای درب ورودی قرار گرفته است در یکی از این سه سال ساخته شده باشد و در واقع مسجد شاه اصفهان که به دستور شاه عباس کبیر ساخته شده است، ولی بیشتر کارهای تزئینی آن در زمان شاه صفی به پایان رسیده است و شاه صفی به پاس مهارت و هنرمندی معمار بحق علی اکبر، این خطکش فولادی طلاکوب را برسم هدیه به معمار مذکور داده است. متن نوشته های سر در ورودی که نام علی اکبر معمار مسجد

شبهه این ستاره در موزه آستان قدس رضوی موجود است، اما ساده و بدون نوشته است، و از لحاظ طول، تقریباً با این ستاره برابر است. یک ستاره کوچک دیگر موجود است در یک جعبه لوازم صحافی، متعلق به مجموعه خاندان عتیقی است (تصویر ۶) که عکس آن در جلد مجله نامه بهارستان ش ۲، س ۱، پائیز و زمستان ۱۳۷۹، چاپ شده است.

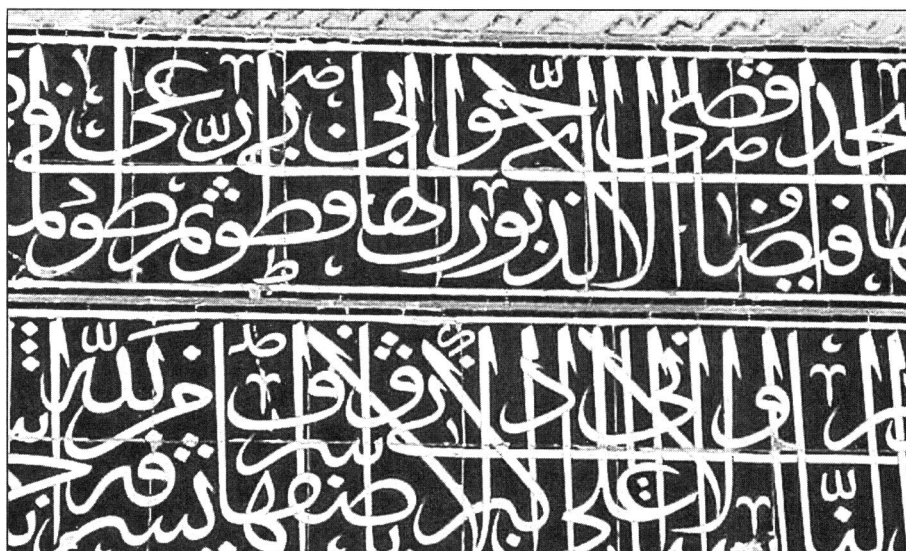
با جستجو درباره معمار علی اکبر متوجه می شویم که نام این معمار بر روی سر در مسجد شاه اصفهان در کتیبه که محمدرضا امامی نوشته، آمده است (تصویر ۷). این کتیبه بدون تاریخ است و با توجه به اینکه قدیمترین کتیبه تاریخ دار، که نام محمدرضا امامی روی آن آمده، در محراب شرقی گنبد مسجد شاه با تاریخ



تصویر ۶

وترصیف ارکانها اعنی من عظم قدره بین اقرانه لازال كأسمه محب  
 علی بیكالله وبمعماریة العمل من كافی المهندسين وهو النادر  
 الاوانی استاد علی اكبر الاصفهانی و باشراف یشرفه من الله شرفاً  
 جزیلاً... كتبه محمد رضا الامامی

شاه اصفهان در آن آمده چنین است (تصویر ۸):  
 "قد تمت بعون الله و حسن توفيقه عمارة المسجد الذي جرى انه  
 يكون جامعاً لما صليت صلوة الجمعة بشرائطها فيضاهي المسجد  
 الاقصى الذي بورك حولها فطوبى لمن رعى في بنائها"



تصویر ۷



تصویر ۸

دردی دارد گر خاک شود عدو و بر باد رود غافل نشوی که باز گردی دارد  
 و در تذکره روز روشن<sup>(۳)</sup> چنین آمده است:  
 اوستاد علی اکبر معمار باشی اصفهانی بود، اوراست:  
 اکبر بدعا بر آر دستی تا دست ترا در آستین ست\*

در کتیبه بالا یک کاشی در قسمت نقطه چین آخر کتیبه (قبل از امضای محمد رضا امامی) از بین رفته است و به جای آن روی یک کاشی جدید جمله "بیکا لله" نوشته شده است (تصویر ۹). به نظر می‌رسد قبلاً نام ناظر ساختمان مسجد بر روی آن نوشته شده بود.

ذکری از بیکا لله در وقایع سال ۱۰۲۹ هـ ق در کتاب تاریخ عالم آرای عباسی آمده است<sup>(۱)</sup>:

"... یک دو سال قبل ازین محب علی بیک لله غلامان را که سرکار عمارات خاصه شریفه صفاهانست...."

در دو مأخذ نام علی اکبر معمار اصفهانی آمده است، در تذکره نصر آبادی چنین می‌خوانیم<sup>(۲)</sup>:

"استاد علی اکبر - معمار باشی اصفهانی مرد کد خدائی در نهایت درویشی آرام است مسجد جامع کبیر واقع در میدان نقش جهان بمعماری او باتمام رسید فکر شعر کم می‌کرد این رباعی بزبانش آمده آنکس که بنفس خود نپردی دارد با خویش همیشه سوز و

۱- عالم آرای عباسی، تألیف اسکندر بیک ترکمان، انتشارات امیر کبیر، نیمه دوم جلد دوم، ص ۵۰-۹۴۹.

۲- مهناز رحیمی فر، معرفی برخی از بناهای باستانی و هنرمندان عصر صفویه به استناد تذکره نصر آبادی، مجله اثر، ش ۳۰-۲۹، سال ۱۳۷۷، ص ۶۵-۵۵، ص ۶۰.

۳- تذکره روز روشن، تألیف مولوی محمد مظفر حسین صبا، تصحیح محمد حسین رکن زاده آدمیت، انتشارات کتابخانه رازی، تهران ۱۳۴۳، ص ۶۹.



تصویر ۹

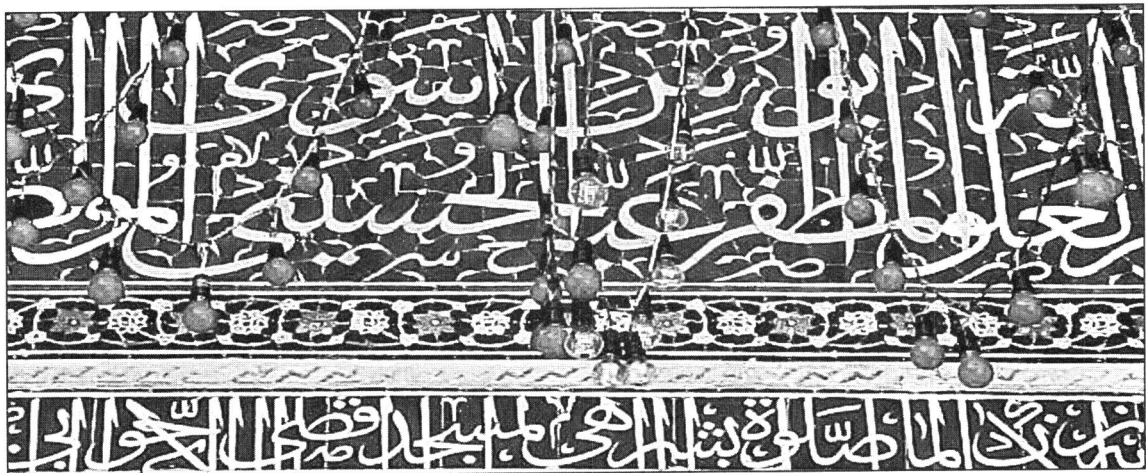
روی کوبه سمت چپ (تصویر ۱۳) تصویر شاه عباس صفوی  
(تصویر ۱۴) حکاکی شده است و روی مشتمل کوبه (تصویر ۱۵)

۱- تاریخ عالم آرای عباسی، ص ۱۰۰۹.

بالای کتیبه مذکور کتیبه دیگری با نام شاه عباس و با تاریخ ۱۰۲۵ هـ دیده می‌شود که آن خطاط آن علیرضا عباسی است. (تصویر ۱۰ و ۱۱). در (تصویر ۱۰) جمله 'ابو المظفر عباس الحسینی الموسوی' و در (تصویر ۱۱) جمله 'کتبه علی رضا العباسی فی سنة ۱۰۲۵' به چشم می‌خورد. آنچه مسلم است مسجد چند سال بعد از ساخت مورد استفاده قرار گرفت اما کارهایی نظیر کاشیکاری و غیره همواره ادامه داشت، متون تاریخی نشان می‌دهد که در سال ۱۰۳۲ هـ ق پیشنماز مسجد، میر جمال الدین کاشی بوده است، در تاریخ عالم آرای عباسی آمده است<sup>(۱)</sup>:

'میر جمال الدین کاشی که از جمله فضلاء دهر و متقیان روزگار بود در سال گذشته امر پیشنمازی مسجد مبارک جدید عباسی اصفهان باو مفوض گردیده بود'

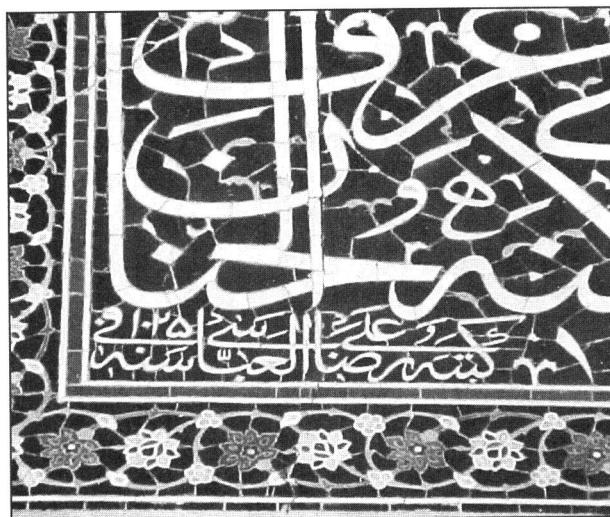
با توجه به جای قرار گرفتن کتیبه که نام معمار علی اکبر در آن آمده است (تصویر ۱۲) ملاحظه می‌شود که سنگ زیر آن که به شکل طاق حجاری شده و درب ورودی مسجد همگی از لحاظ عرض یکی است و نشان دهنده ساخت آنها در یک زمان است. درب ورودی اصلی مسجد از دو درب جداگانه تشکیل شده است که یک درب بزرگ است و به داخل مسجد باز می‌شود و یک درب کوچک که به طرف بیرون باز می‌شود و در حین باز شدن درب بیرونی، معمولاً پشت قسمت باز شده درب همیشه در جهت ورود بازدید کنندگان، در معرض دید نمی‌باشد. در پشت این دو لنگه باز شده مدرکی وجود دارد که ثابت می‌کند که آن درب باید در زمان شاه صفی ساخته شده باشد. روی این دو لنگه درب دو عدد کوبه (دق الباب) وجود دارد که روی هر دو کوبه دو عکس حکاکی شده است و روی مشتمل دو کوبه نوشته‌ای دیده می‌شود.



تصویر ۱۰



تصویر ۱۳

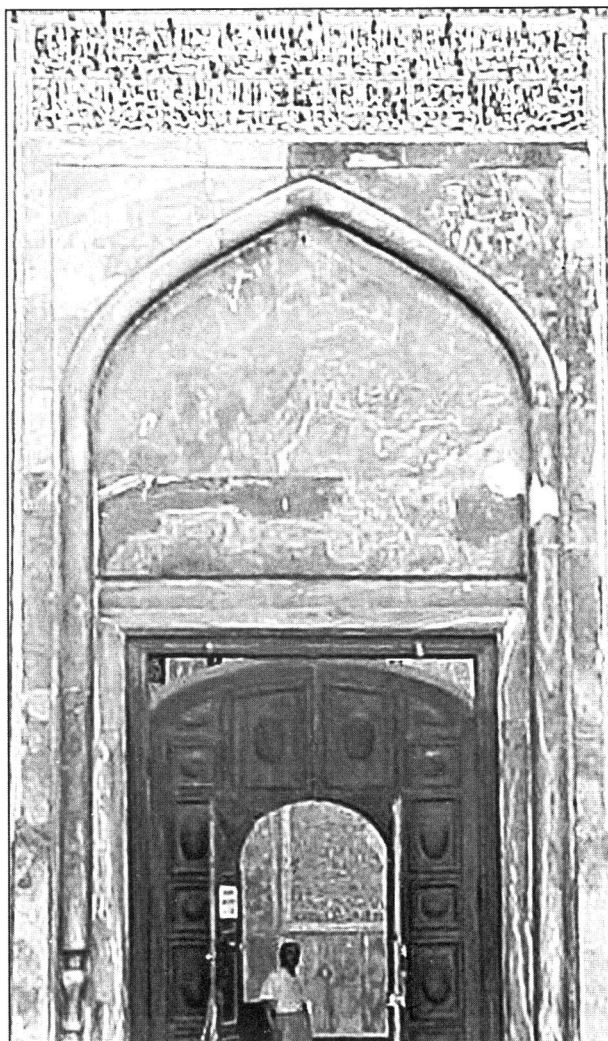


تصویر ۱۱



تصویر ۱۴

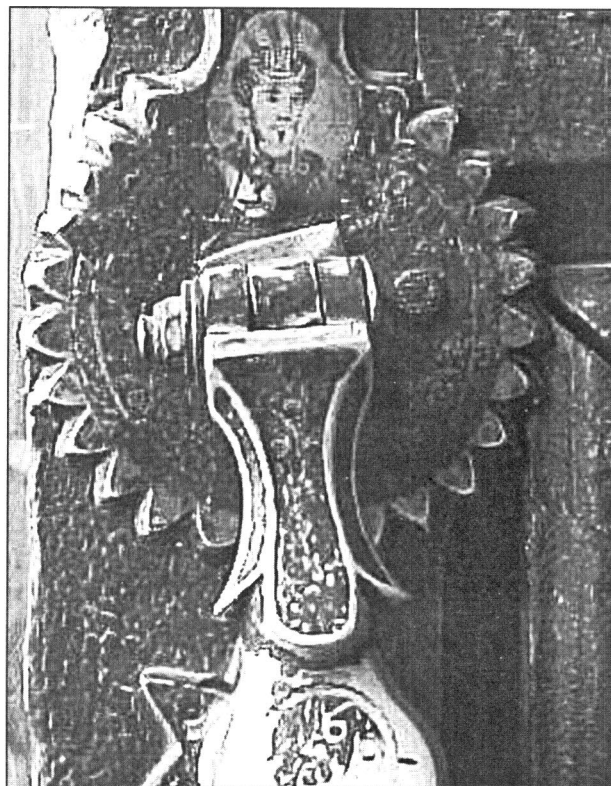
جمله 'سازنده استاد تقی' نمایان است. روی کوبه سمت چپ (تصویر ۱۶) تصویر شاه صفی (تصویر ۱۷) حکاکی شده است و روی مشت کوبه (تصویر ۱۸) جمله 'قلمزن گلزار' دیده می‌شود. وجود تصویر شاه صفی روی کوبه درب مؤید آن است که درب ورودی در زمان شاه صفی ساخته شده است و این امر ثابت می‌کند که قسمت بالای درب که شامل سنک طاق، شکل و کتیبه که نام معمار علی اکبر در آن آمده است، همزمان با ساخت درب



تصویر ۱۲



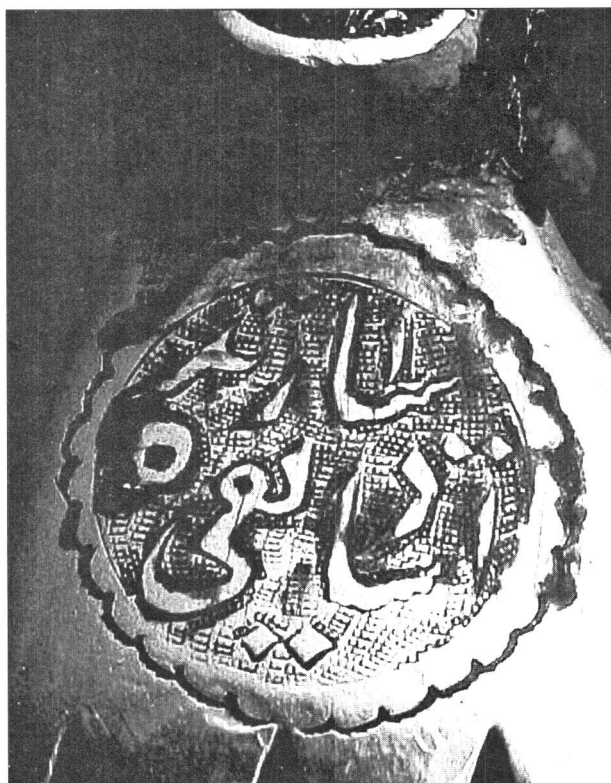
تصویر ۱۷



تصویر ۱۵



تصویر ۱۸



تصویر ۱۶

ورودی است احداث شده است. درب داخلی (نقره) به استناد اشعار و اهداب که تاریخ مذکور را با حروف ابجد آورده، در سال ۱۰۴۶ هـ ق ساخته شده است<sup>(۱)</sup>.

بنای مسجد شاه اصفهان یا به عبارت صحیحتر مسجد جامع عباسی در سال ۱۰۲۰ هـ ق شروع شد. در کتاب تاریخ عباسی<sup>(۲)</sup> آمده است:

... جمعه پانزدهم صفر ختم بالخیر و الظفر [سال ۱۰۲۰ هـ ق] بجهت اسباب و آلات و مصالح بناء مسجد جدید که در اصفهان می ساختند با استادان بنا و سنگتراش و سنگ بر و فعله دو هزار تومان دادند و مقرر شد که چون شروع بنا بشود و مصالح حاضر باشد و خانه‌های نادر العصری مولانا میر علی ثانی آنکه اسمش با خوش نویسی عهد موافق است اعنی ملا علی بمبلغ سیصد تومان خریدند. چون حکم جهانمطاع عالم مطیع شد که خانه‌های مولانای مذکور خریده مسجد جامع بسازند چون طرح مسجد کشیده شد خانه پیر زالی که در روز عید قربان کردن شتری که قربان میکردند بخانه او می‌رفته از قدیم الایام خانه این پیر زال در میان این مسجد واقع شد و در نفروختن خانه بسیار مجد بود و هر چند تطمیع او بزر و خلعت کردند راضی نادر العصر والزمان استاد بدیع الزمان تونی الاصل یزدی الموسول که به خدمت اشرف بامر معماری مشغول بود حقیقت طرح مسجد و خانه پیر زال بعرض اشرف رسانید نواب کلب آستان علی فرمودند او را تسلی کنید بی رضای او دست بخانه او مکنید چون استاد مذکور بزر و خلعت آن پیر زال را راضی نتوانست ساخت رفت و زمی از بیرون مسجد بقدر خانه‌های پیر زال حصار کشید و خانه‌ها و مطبخ و حوض آبروان آورد و جاری ساخت و باغچه را بدرختهای میوه داد و گل‌های الوان آراست و به بهانه به بهانه همسایگی پیر زال را با پسرش بضيافت در آن خانه‌ها طلب نمود چون پیر زال بان خانه‌ها داخل شد چون بسیار باصفا بود و دلنشین او شد آرزو کرد که کاش این خانه‌ها از من بود که خانه‌های من آب روان ندارد فی الحال استاد مشار الیه خانه‌ها پیشکش کرد و پیر زال در عوض خانه را فروخت چون حقیقت بعرض اشرف رسید قیمت کهنه خانه‌های پیر زال خلعت بی‌زوال به او و پسرش داد و بیست و سیم صفر که آفتاب در ثور بود پشانزده درجه باحسن اوقات و اسعد ساعات بنای مسجد جامع در کنار میدان جدید اصفهان نمودند و

تاریخی که عباسی شاعر گفته نوشته شد قطعه:

تاریخ ابتداش چو جستم ز پیر عقل  
گفتا بگو که کعبه ثانی بنا شده

و دیگران نیز گفته‌اند به بی‌تی اکتفا شد. بی‌تی:

عدیل کعبه بنا شد در اصفهان

بجو سال بناء مسجد از غیب

دو عبارت (کعبه ثانی بنا شده) و (از غیب) در دو بیت بالا با حروف ابجد سال ۱۰۲۰ هـ ق را نشان می‌دهد. از متن بالا مطالب جالبی به دست می‌آید که زمینهای که مسجد جامع عباسی باید در آن ساخته می‌شد، متعلق به دو نفر بوده است. یکی نادر العصر مولانا میر علی ثانی و دیگری پیر زن زال است.

مطلب دومی که از متن فوق به دست می‌آید نام شخصی تونی الاصل یزدی المولد و نادر العصر و بدیع الزمان که به خدمت اشرف بامر معماری مشغول بوده، طراح مسجد است.

مطلب دیگر اینکه نادر العصر معمار، آن پیر زال را به بهانه همسایگی، دعوت به میهمانی در خانه‌ای مصفا کرده که هدیه آن خانه. باعث موافقت پیر زن جهت فروش خانه‌اش برای احداث مسجد شده است. از آنجا که طبق این متن، نادر العصر معمار همسایه آن پیر زال است، پس نتیجه می‌گیریم که نادر العصر میر علی ثانی و نادر العصر تونی الاصل یزدی المولد معمار باید یک نفر باشند. یاد آور می‌شوم که ۵۰ روز پس از این اتفاق، قبله مسجد جامع عباسی تعیین شد. در کتاب تاریخ عباسی آمده است<sup>(۳)</sup>:

و پنجشنبه پنجم ربیع الآخر علما جمع شده و قبله مسجد جامع عباسی تعیین نمودند

در حوادث سال ۱۰۰۶ هـ ق از ملا میر علی ثانی نکری آمده است که باز هم به عنوان نادر العصر، معرفی

۱- مهناز رحیمی فر، همان مرجع، ص ۶۱.

۲- ملا جلال الدین منجم، تاریخ عباسی، بکوشش سیف الله وحید نیا، انتشارات وحید، چاپ اول، تهران - ۱۳۶۶، ص ۱۳-۴۱۱.

۳- تاریخ عباسی، ص ۲۱۴.

شده است<sup>(۱)</sup>

در کتیبه سر در مسجد که متن آن در سطور فوق آمده است، به نام معمار علی اکبر اصفهانی به عنوان "و هو النادر الآوانی" که معنی آن (نادر عصر) است اشاره شده و مشخص است که نادر العصر میر علی اکبر ثانی و نادر العصر تونی الاصل یزدی المولد و النادر الآوانی (= نادر العصر) علی اکبر اصفهانی هر سه باید یک نفر باشند و در واقع "معمار به حق" که نام او روی ستارده آمده است تونی الاصل و یزدی المولد است اما چون در اصفهان سالیان متمادی ساکن بوده، معروف به اصفهانی شده است.

در حال حاضر بجز مورد فوق از معمار علی اکبر اصفهانی اطلاعی دیگری نداریم البته شاید آثاری از او باقی باشد اما نه با نام علی اکبر اصفهانی، بلکه با نام علی اکبر تونی یا علی اکبر یزدی یا میر علی ثانی یا بدیع الزمان یزدی.

در وقایع سال ۱۰۱۶ ذکری از نادر العصری استاد بدیع الزمان یزدی آمده که برجی بزرگ در میان آب ساختند<sup>(۲)</sup>:

"مقارن این حال بعرض اشرف رسانیدند که بسبب دور شدن آب از برج و باره و خراب شدن سد سکندر عبور خان تاتار با لشکر بسیار و جماعت چرکس و اشرار از کنار دریا ممکنست و از دوری قلعه کسی ممانعت آن جمع نمی تواند کردن. بنا بر حکم واجب الاذعان صادر شد که بسرداری قنبر سلطان کوزی بوسکلو و معماری نادر العصری استاد بدیع الزمان یزدی برجی بزرگ در میان آب سازند طاعة الامر العالی مذکوران برجی در میان آب ساختند پی برج دو گز در میان آب بود و سیصد گز ارتفاع آن با وجود این رفعت در وقت موجه [موج] آب بدرون برج می ریخت اما بعد از سعی بسیار رفع آن نمودند و در آن برج سیصد نفر تفنگچی راجای ساخته و چند توپ در آنجا گذاشته....."

احتمال دارد بنای مذکور همان بنایی باشد که در عباس آباد بهشهر واقع شده است. که محتاج به بررسی و پژوهش گسترده تری است.

۱- تاریخ عباسی، ص ۱۷۰

۲- تاریخ عباسی، ص ۳۱۹.